

# ایمان گرایی<sup>۱</sup>

ریچارد پاکین

زهرآ مبلغ

ایمان گرایی، دیدگاهی است بیانگر اینکه حقیقت در دین، نهایتاً بر ایمان مبتنی است، نه بر استدلال و قرینه (عقلانی). این ادعا که توسط متالین - از پولس قدیس<sup>۲</sup> گرفته تا نویسندگان نوآرژتدکس و ضدعقلگرایی معاصر - در اشکال گوناگونی عرضه شده است، عموماً حاکی از این امر است که اصول زیربنایی دین، نمی‌توانند با استدلال یا قرینه تجربی ثابت شوند، بلکه باید بر مبنای ایمان پذیرفته شوند.

برخی اشکال ایمان گرایی، ارزش استدلال و علم را مخدوش می‌کنند و به نوعی عقل ستیزی منجر شده‌اند؛ چنانچه در تقریر طعنه‌آمیز هیوم در پایان رساله‌اش «در باب معجزات» بدان اشاره رفته است:

«دین مسیحیت، نه تنها در آغاز با معجزات همراه بود، بلکه تا به امروز نیز بدون آنها نمی‌تواند معتقد هیچ انسان متعلقی باشد. استدلال صرف برای متقاعد کردن ما به راستین بودن مسیحیت، بسنده نیست و هر آن کس که توسط ایمان، به پذیرش مسیحیت انگيخته شود، از یک اعجاز مداوم در وجود خود آگاه است؛ (اعجازی) که تمام اصول ادراک او را بر هم می‌زند و در باور به آنچه بسیار خلاف عرف و تجربه است، به او

<sup>۱</sup> این واژه برگردان اصطلاح Fideism است.

<sup>۲</sup> پولس قدیس یا پولس حواری: متوفی سال ۶۷ م. از بارزترین شخصیت‌های تاریخ مسیحیت است. وی ابتدا یهودی متعصب تبعه رم بود با نام اصلی شانول. شغلش عیمه‌دوزی بود. هنگامی که برای سرکوبی عده‌ای از مسیحیان عازم دمشق بود نوری خیره‌کننده بر او تأید و نلای شید که می‌گفت: «چرا بر من جنایت می‌کنی؟» و از اینجا به مسیحیت گروید. و بعد نامش را به پولس برگرداند. بعد همراه چند حواری دیگرس به شرق نزدیک رفت تا مسیحیت را ترویج کند. و در اورشلیم به اتمام تحریک مردم به اغتشاش بازداشت شد. دوسال در حبس بود. سپس به رم فرستاده و زندانی شد. و سرانجام از کلیه اتهامات تبرئه گردید. ظاهراً در دوره نرون به قتل رسید. ۱۳ رساله به او منسوب است که مآخذ عمده زندگی او همین رساله‌ها و نیز کتاب اعمال رسولان است. این رساله‌ها از شاهکارهای ادبیات جهان و مآخذ بسیاری از عقاید مسیحیت است.

استواری می‌بخشد.» ( پژوهشی در فاهمه بشری. ویراسته آل‌ای. سلبای - بیگد صفحه ۱۳۱)

## ایمان گرایی افراطی

ایمان‌گرایان افراطی، مانند جی - جی هامان و سورن کی یرکگارد<sup>۳</sup>، تئوری پردازی هیوم را به عنوان توصیفی صحیح از اعتقاد راستین دینی، پذیرفته‌اند. با پیشاهنگی احتجاج پولس قدیس، مبنی بر اینکه آموزه‌های اصلی مسیحیت بنا بر معیارهای فلسفی یونان، بی‌معنا خواهند بود و با شعار ترتولیان<sup>۴</sup>: «من به آنچه نامقول است، ایمان دارم.» دسته‌ای از

<sup>۳</sup> سورن اوبوکی یرکگارد: ۱۸۵۵-۱۸۱۳ م. فیلسوف دانمارکی که پدر فلسفه آگزیستانسیالیسم محسوب می‌گردد. او برای حالات درونی و دریافتهای نفسانی انسان نیز اعمالی که انسان باید انجام دهد، بیشتر اهمیت قائل است تا برای تجسس در خارج و جستجوی حقایق عینی. وی معتقد است که برای انتخاب و اختیار انسان، علت منطقی و ضروری وجود ندارد و بنابراین انسان مختار و آزاد است. انسان خودش باید جهش به درون ایمان را تصمیم بگیرد و نباید در جستجوی دلیل و برهان عقلی باشد و اصلاً جستجوی دلیل و برهان برای ایمان به خدا، خود دلیل بی‌ایمانی است. از این رو همه اقداماتی که از سوی کلیسا برای برهانی کردن دین مسیحیت صورت می‌گیرند، ناشی از بی‌ایمانی اند. از آثار مهم وی می‌توان به کتابهای زیر اشاره کرد: یا این یا آن / ترس و لرز / مفهوم ترس / مراحل زندگی / ملحقات نهایی غیرعلمی به فلسفه.

<sup>۴</sup> ترتولیان: مقاله رومی که حدود سالهای ۲۳۰-۱۵۰ م می‌زیسته است. وی پیش از ۱۹۷ م. به مسیحیت گروید و با حرارت تمام از مسیحیت در مقابل بت پرستی، دفاع کرد. ابتدا علناً به فرقه موتانوسیان پیوست و با حرارت، به کلیسای رسمی حمله کرد. اما طبع سرکش او مانع از این بود که به این فرقه پایبند بماند. سپس رهبر فرقه‌ای گردید که به نام نمودش

متألهان وجود داشته‌اند که اصرار می‌ورزیدند حقایق دینی، با آن دسته از اموری که می‌توانند با قرائن عقلانی، اثبات یا توجیه شوند، ناسازگارند. نیز ایشان معتقد بودند که کوششهای عقلانی، راهبردهای مناسبی برای وصول به چنین حقایقی نیستند. برخی متألهان تأکید کرده‌اند که

ترتولیانس‌ها خوانده شده است. وی از بزرگترین نوابع مسیحیت و مؤجد ادبیات مسیحی لاتینی است. کتابهای فراوانی در الهیات نگاشته است.

بگیرند و اغلب - چنانچه جان قدیس اهل کراس<sup>۶</sup> چنین کرده - راهبردهایی را پیشنهاد کرده‌اند که فرد با استمداد از آنها، می‌تواند خود را به گونه‌ای بی‌برورد که از محدودیت‌های عقلانیت - به منظور تعمیق تجربه و باور دینی - رها شود. برخی متألهان، تلاش کرده‌اند که ناتوانی عقل را در اثبات هرگونه حقیقت بنیادین یا کاملاً یقینی، نشان دهند. این متألهان، معمولاً با به کارگیری براهین شکاکانه، مدعی شده‌اند که اصول بنیادین، برپایه معیارهای عقلانی، قابل نقدند و همچنین، خود این معیارهای عقلی نیز، می‌توانند زیر سؤال روند.

بنابراین نظر، ایشان مدعی شده‌اند که حقایق پایه باید بر مبنای ایمان، پذیرفته شوند.

۶ جان اهل کراس معروف به یوحنا صلیبی: ۱۵۹۱-۱۵۴۲. متصوف و شاعر اسپانیایی. وی مؤسس فرقه کرمیان پابره و از دوستان نزدیک قدیسه ترزای آویلائی بود. همین قدیسه، او را به زندگی عرفانی رهبری کرد. در ۱۵۷۷ م، زندانی شد و مورد شکنجه‌های بدنی و روحی قرار گرفت. در این زندان، اشعار معنوی معروفش را سرود. این اشعار که آمیخته‌ای از غنایگری لذت بخش و اندیشه‌های عمیق است، از ظریفترین آفریده‌های دوره طلایی ادبیات اسپانیا به شمار می‌رود. آخرین سالهای عمرش را در مبارزه با مخالفان مذهب و تألیف شاهکارهای شری در الهیات عرفانی، سپری کرد. برخی آثار مهم وی عبارتند از: شب تاریک روح / صعود کوه کرم.

۷. میشل اکم دومن تینی: ۱۵۹۲-۱۵۳۳. فیلسوف فرانسوی و عالم اخلاق. در ۱۵۶۵ کتاب الهیات طبیعی را که به وصیت پدرش از لاتیینی به فرانسه ترجمه کرده بود، منتشر کرد که در آن ایمان مسیحی برپایه عقل بنا شده است. از سال ۱۵۷۲ به تألیف کتاب مهمش «مقالات» شروع کرد. او در دوره اومانیزم به دنیا آمده بود و به مبارزات زمانش کشیده شده بود، وی ابتدا طرز فکر رواقی داشت و بعد پیر و شکاکیت شد.

۷. بی‌یر شارون: ۱۶۰۳-۱۵۴۱. فیلسوف فرانسوی کاتولیک. وی پس از تحصیل حقوق وارد کلیسا شد و یک مبلغ مسیحی شد. در ۱۵۸۹ با میشل دومن تینی (بنیان‌گذار نحله جدیدی از شکاکیت فلسفی - ن ک به شماره ۷) ملاقات کرد و از مریدان او شد. و در ۱۶ نوامبر ۱۶۰۳ در پاریس درگذشت. او از روش شکاکیت برای اثبات اینکه انسان به واسطه عقل نمی‌تواند به معرفت یقینی، دست یازد، استفاده کرد و معتقد بود که انسان باید به انگیزه‌های طبیعی خود و به اراده آزاد تکیه کند تا به دانش درست و آرمانهای اخلاقی، دست یابد. از آثار مهم او می‌توان موارد زیر را نام برد: حقایق سه گانه / مباحث دین مسیحیت / و رساله‌ای درباره دانایی.



راههای فراعقلی یا غیرعقلی - مانند تجربه‌های درونی یا مکاشفه‌ای - وجود دارند که علم به حقایق بنیادین (دین) را ممکن می‌سازند. این دست نویسندگان، مایل بودند که براهین یا معیارهای عقلانی را نادیده

بی‌یر بیل<sup>۸</sup>، کی‌یر کگار، فلیسته روپرق دکلمونه و ال‌آی‌شستوفه فراتر از این رفته و اظهار داشته‌اند که حقایق دینی، ماهیتاً با آن دسته از اظهاراتی که بر اساس معیارهای عقلانی یا استدلال‌پذیر، محتمل، موجه یا حتی ممکن‌اند ناسازگار می‌باشند و بنابراین، چنین حقایقی تنها بر مبنای ایمان، قابل بلور یا پذیرش‌اند.

بیل تأکید می‌کند که عقاید دینی نه تنها برتر و فراتر از عقائد بلکه در تقابل و ضدیت با آند و نیرومندترین ایمان، آن است که حقایقی را که بر پایه «هورطیمی» (خرد) آند رد می‌کند و در کناشدنی‌ترین حقایق برای خرد یا آتھایی را که ضد خردند مشتاقانه می‌پذیرد.

کی‌یر کگار، ابتدا نوعی از شکاکیت را که توسط بیل و هموم درباره شناخت عقلانی، طرح شده بود، پذیرفت و سپس تأکید کرد که اصل بنیادین مسیحیت - تجسد - نه تنها با قرائن عقلانی ناسازگار است، که حتی بر مبنای معیارهای عقلانی، ادعای خود متناقض است: «این امر محال که (امر) سرمدی همان (امر) تاریخی است. متعلق هیچ دانشی نمی‌تواند باشد» (کتاب پاره نوشته‌های فلسفی - صفحه ۵۰) کی‌یر کگار در این باره با هامان هم رأی بود که فهم درست بلور دینی، همان است که هیوم دریافته بود؛ به این صورت که بلور دینی را امری واقعاً خلاف عقل و عرف و تجربه می‌دانستند از نظر کی‌یر کگار، همین ناموجه بودن ادعای مسیحیت، آن را در خور بلور می‌سازد و تنها با سرسپردگی کامل یا (( جهش به درون ایمان )) می‌توان مسیحیت را پذیرفت (هرچند که) شاید هیچ دلیل یا توجیهی برای جهش (به درون ایمان) وجود نداشته باشد. بنا بر گفته‌های رقیب بیل یعنی بی‌یر ژورویو<sup>۹</sup> (که او نیز یک عقل ستیز بود)، تنها چیزی که فرد معتقد نهایتاً می‌تواند بگوید این است که: «من به این امر بلور دارم چون می‌خواهم به آن بلور داشته باشم».

یکی از برجسته‌ترین ایمان‌گرایانی که در قرن بیستم دیدگاه کی‌یر کگار را بسط داده است، مثاله اورتنوکس روسی، شستوف، می‌باشد او تأکید کرده است که رد همه معیارهای عقلانی، یک بخش از باور راستین است. در شرحی بر داستایوفسکی، وی بر آن است که نفی پذیرش

<sup>۸</sup> بی‌یر بیل: ۱۷۰۶-۱۶۶۷. فیلسوف فرانسوی که تأثیر فراوانی بر فلاسفه و علمای قرن ۱۸ داشت. پدرش یک کشیش کالونی بود. او در ۱۶۶۹ به کاتولیسیسم روی آورد. سالهای زیادی در دانشگاههای مختلف تدریس کرد. اما در ۱۶۹۳ به علت دیدگاههای خاص سیاسی و مذهبی‌اش، از کرسی استادی برکنار شد. اولین و مهمترین تقریر او "درباره ستاره دنباله‌دار"، در سال ۱۶۸۲، به رشته تحریر درآمد. این کتاب اندیشه‌های اصلی او را - حکومت عرفانه‌پرستی / وجود اخلاق مستقل از مذهب / عدم اعتماد به عرف و قدرت / تصدیق و تأیید عنصر زیربنایی صبر/ معرفی می‌کند.

<sup>۹</sup> بی‌یر ژورویو ۱۷۱۳-۱۶۳۷. مقاله پروتستان فرانسوی. بعد از اتمام تحصیلاتش، به عنوان کشیش شناخته شد و در ۱۶۷۴ استاد الهیات شد. در ۱۶۸۱ به عنوان اسقف کلیسای والدن مشغول شد. از آثار مهم وی می‌توان موارد زیر را نام برد: دفاعیه‌ای از حکومت اصلاحات / نامه‌های خطاب به کاتولیکهای فراتسه / تاریخچه نقادانه جرمیت و مذهب.

$۲ + ۲ = ۴$  و توانایی بلور به  $۲ + ۲ = ۵$ ، با دریافت حقیقت دینی، بیوند نزدیکی دارد.

### ایمان‌گرایی تعدیل یافته

در مقابل ایمان‌گرایی خردستیز یا ضد عقل‌گرا، نوع متعادلتری از ایمان‌گرایی، خصوصاً در سنت مسیحی آگوستینی، طرح شده است. این سنت به جای تکیه بر اینکه یقین نهایی بر ایمان مبتنی است - به این معنا که در تضاد با عقل است - می‌پذیرد که در اثبات حقایق بنیادین یقینی، ایمان بر عقل مقدم است. اما عقل و قرینه (عقلانی) هم در جستجوی این حقایق و هم در توضیح و تبیین آنها، تا اندازه‌ای می‌تواند نقش داشته باشد.

جمله معروف آگوستین، «من بلور می‌کنم تا بدانم» در واقع تأکید اولیه راه بر ایمان می‌نهد البته، چنانکه مکالمات فلسفی آگوستین<sup>۱۰</sup> نشان می‌دهند، شناخت اصل زیربنایی ایمانی، ممکن است (و شاید می‌باید) با جستجوی عقلانی برای حقیقت دنبال شود (یعنی) پس از آنکه در وهله اول، پژوهش عقلانی، نیاز به پذیرش برخی اصول یا بلورهای بنیادین را بر پایه ایمان، مکشوف ساخته می‌توان نشان داد که این اعتقادات معقول، محتمل یا موجه‌اند.

براهین مدعی وجود خلد نظامهای مابعدالطبیعی تبیینگر امور پذیرفته شده بر مبنای ایمان و قرائن تاریخی و روانشناختی درباره ماهیت دین و تأثیر آن بر دینداران، همگی می‌توانند به عنوان تبیین‌های عقلانی یا حتی توجیهات اموری که بیشتر بر مبنای ایمان پذیرفته شده‌اند به حساب آیند بیان پاسکال در «تفکرات» این شکل از ایمان‌گرایی را روشن‌تر می‌نماید. وی مؤکلتنه در این باره بحث می‌کند که تواناییهای طبیعی انسان برای رساندن او به هر گونه حقیقت کاملاً یقینی، نابسندم‌اند می‌توان نشان داد که ملحد بودن، غیرمعقول یا نابخردانه است اما نمی‌توان نشان داد که خلدپرستی، معقول است. همین که فرد این وضع بشری را - یعنی نیاز اساسی انسان به حقایق بنیادین و ناتوانی او در یافتن آنها را - دریابد آماده خواهد بود تا به خدا گوش سپارد و «کلمه مکشوف» او را صرفاً بر مبنای ایمان بپذیرد به محض اینکه انسان ایمان بیلورد، می‌تواند قدرت قرینه کلامی و روانشناختی (حاکمی از) راستین بودن دین مسیحیت را مشاهده کند. در این صورت چنین قرآینی

<sup>۱۰</sup> آگوستین: ۴۳۰-۳۵۴. متولد تاگاسته در آفریقای شمالی. با اینکه مادرش مسیحی بود اما ابتدا به مانویت گروید. هنگام تدریس خطابه در میلان، مجذوب تعالیم آمروسیوس شد و به مسیحیت درآمد (۳۸۷). سپس به تاگاسته بازگشت و مدتی ترک دنیا کرد. در ۳۹۶ به اسقفی شهر هیو برگزیده شد. در تقریر تعالیم مسیحیت و رد مانویت، علم و احاطه وسیعی به کار آورد. متألمان مسیحی، اسم از کاتولیک و پروتستان، او را استاد بزرگ الهیات دانسته و از آثارش بهره‌ها برده‌اند. تالیفات مهم وی از این قرارند: اعترافات / مدینه الهی (شهر خدا).

می‌توانند دلایل عقلانی خوبی را برای بلور به آنچه پیشتر از روی ایمان پذیرفته شده بود، شکل دهند

### ایمان‌گرایی در فلسفه

یک روند غیردینی، مشابه ایمان‌گرایی تمذیل یافته، در بینش‌های گوناگون شکاکانه فلسفی - مانند بینش‌های هیوم، راسل و سانتایانا<sup>۱۶</sup> به چشم می‌خورد بحث هیوم مبنی بر اینکه: عنصر باور (ایمان) است که جهان را قابل زندگی می‌کند و اینکه: هر فردی مطابق نظام باور شخصی خود زندگی می‌کند، می‌تواند به عنوان یک گونه از ایمان‌گرایی قلمداد گردد. پیش‌انگاره‌های بنیادینی که ما با (اعتقاد به آنها) زندگی می‌کنیم، نه می‌توانند با استدلال یا قرینه تأیید شوند و نه بر مبنای ایمان دینی، پذیرفته شوند بلکه - مطابق گفته سانتایانا - بر مبنای ایمان زیستی (حیاتی) پذیرفته می‌شوند.

راسل در کتاب معرفت بشری، (بر مبنای مباحث هیوم) تأکید می‌کند که انگاره‌های بنیادین علم، قابل اثبات نیستند بلکه باید بر مبنای ایمان پذیرفته شوند. به هر حال، حتی اگر تجربه عرفانی شکاکانه‌ای که سانتایانا وصف می‌کند - تجربه دین همه چیز در سایه شک - وجود داشته باشد، اما باز هم تفحص عقلانی است که هیوم و پیروان او را به بازشناسی این امر که فعالیت‌های عقلانی متضمن عنصر بلورند می‌رساند. هیوم با یافتن این امر، نشان داد که انسان می‌تواند علل باورها را بررسی کند و نیز بلورها را می‌توان تبیین کرد اما هرگز نمی‌توان آنها را توجیه کرد. می‌توان بر مبنای بررسی مجموعه‌ای از باورهای معقول، باورهای دیگر را - با معیارهای روانشناختی - ارزیابی کرد. بنابراین، سنت فلسفی منبث از نظریات هیوم، را می‌توان به عنوان گونه‌ای از ایمان‌گرایی به حساب آورد که برخی از چهره‌های برجسته ایمان‌گرایی تمذیل یافته آگوستینی هم در آن شریک‌اند.

### تحولات کنونی

در حال حاضر، ایمان‌گرایی خردستیز به خصوص از نوع کی‌یرکگاردی آن، در حد زیادی، خصوصاً در میان متألهان پروتستانی، متداول است. این امر تا حدودی در واکنش به تمایلات الهیات لیبرال و عقلانی قرن نوزدهم می‌باشد) بسیاری از متألهان درباره ناتوانی آشکار انسان در یافتن هرگونه پاسخ نهایی (چه از طریق علم و چه از طریق جنبش‌های سیاسی دنیوی و غیره) نیز درباره نیاز اساسی انسان برای استوار ساختن تسلیم نهایی‌اش تنها بر پایه ایمان، نظریه‌پردازی کرده‌اند.

تأکید آگزیستانسیالیستی بر نامعقولیت بنیادین جهان انسانی، بخشی از این جنبش است. نظریه رسمی کاتولیکی از زمان شورای ترنت تا عصر

<sup>۱۶</sup> جرج سانتایانا: ۱۹۰۲-۱۸۶۳. فیلسوف و شاعر اسپانیایی. او معتقد به مذاهب رسمی نبود. اما در آثار متأخرش بر تأثیر ایمان در شناخت ناشناختی، در دنیای کاملاً مادی، تأکید می‌کند. آثار فلسفی او عبارتند از: حس زیبایی / حیات عقل / قلمروهای وجود / زندگی نامه خسروش و ...

حاضر، بر مخالفت خود با فرضیه اصلی ایمان‌گرایی مبنی بر اینکه باورهای پایه نه بر مبنای عقل یا قرینه (عقلانی) بلکه تنها بر مبنای ایمان می‌توانند اثبات شوند باقی است.

می‌توان گفت در جهانی که در آن بسیاری از دیدگاه‌های خوش‌بینانه، معقول و به لحاظ علمی تأیید شده، به واسطه وقایع بنیان‌فکن قرن بیستم، رو به افول نهادماند شاید ایمان‌گرایی، یکی از سررشته‌های اصلی را برای برخی انواع عقاید قابل توجه عصر حاضر، پیش رو می‌نهد. شاید تحلیل ویلیام جیمز<sup>۱۷</sup> در کتاب «اراده معطوف به باور» در باب نیاز روانشناختی، به سرسپردگی و باور، علیرغم فقدان قرائن، نمودار قسمت اعظمی از تلقی کنونی باشد.

البته، ایمان‌گرایان دینی، اعتقادات دینی خود جیمز را بسیارست قلمداد می‌کنند و به نظر می‌رسد که ایشان، به نحو فزاینده، به سوی ایمان‌گرایی خردستیز کی‌یرکگارد، داستایوفسکی و شستوف پیش می‌روند.



<sup>۱۷</sup> ویلیام جیمز ۱۹۱۰-۱۸۴۲: فیلسوف و روانشناس آمریکایی. خودآگاهی انسان را فعال و قاصد می‌داند و معتقد بود که اراده و آگاهی اصالت دارند و دانش آلی است. در نظریه اصالت تجربی اساسی، اصول متعالی و غیرتجربی را یکباره نفی کرد و استدلال کرد که تجارب بشری، یک سلسله نسبتی‌های رابط است که آنها نیز، خود تجربه مستقیم‌اند. آثار وی همگی سلیس و مؤثرند؛ از آن جمله است: اصول روانشناسی / اراده معطوف به باور / انواع سیر تجربه‌های دینی / مذهب اصالت عمل.